

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل استاندارد های دوگانه حقوق بشر غربی و آمریکایی

با تاکید بر طرح دعاوی متقابل قضایی

اشاره:

آن چه پیش رو دارید متن کامل و پیاده شده سخنان دکتر نصرالله ابراهیمی دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران است که در پنجمین جلسه شورای تحلیل سیاسی معاونت تبیین و گفتمان سازی ایراد شده است نظر به اهمیت مطالب، متن کامل آن جهت بهره برداری مسئولان و شبکه ملی جهادگران تبیین در سراسر کشور ارائه می گردد.

ایام فرخنده عید غدیر خم را خدمت همه عزیزان و حضار محترم و آن دسته از عزیزانی که از طریق فضای مجازی جلسه ما را دریافت می کنند تبریک عرض می کنم و امیدوار هستم که ان شاءالله در پناه حضرت مولا امیر المومنین علی علیه السلام باشیم و خداوند ما را در ولایت مندی نسبت به آن حضرت و اهل بیت عصمت و طهارت ان شاءالله موفق بدارد.

این روزها در کشور ما به مناسبت هفته حقوق بشر غربی- آمریکایی این بحث مطرح است و من هم به سهم خودم در این نشست علمی نکاتی و ملاحظاتی را مطرح می‌کنم.

ما سابقاً در فضای حقوق بین الملل فعالانه حضور پیدا نمی‌کردیم و عمدتاً حضور منفعلانه داشتیم ولی گویا دوستان به این جمع‌بندی رسیده‌اند که باید در ورود به مباحث حوزه حقوقی در سطح داخلی و بین‌المللی فعالانه‌تر مشارکت داشته باشیم و بتوانیم از حقوق مردم و جمهوری اسلامی ایران حمایت کنیم. عنوان بحثی را که در خدمت شما هستم عبارت از "تحلیل استاندارد های دوگانه حقوق بشر غربی و آمریکایی با تاکید بر طرح دعاوی متقابل قضایی" می‌باشد. در این بحث تلاش من براین است که نگاه فرهنگ حقوقی در مواجهه با موضوعات بین‌المللی کشور، تقویت و پس از فرهنگ سازی با قدرت وارد حوزه بین‌المللی شویم.

من دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران هستم ولی هیچ‌گاه صرفاً در فعالیت های آکادمیک و دانشگاهی محصور نبوده‌ام بلکه در کنار تدریس و آموزش در دانشگاه‌ها، تلاش کرده‌ام که در حوزه تخصصی ام که نفت و گاز و انرژی است، فعالیت های بین‌المللی گسترده‌ای در خصوص پی‌گیری پرونده های حقوقی داشته باشم و خوشبختانه در آن دسته از پرونده هایی که در فضای بین‌المللی برای حمایت از مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران، ورود پیدا کرده‌ام الحمدالله این ورود موفقیت آمیز بوده و توانسته ایم نتیجه بگیریم لذا امروز می

توانم ادعا بکنم که ورود ما با قدرت در فضای بین الملل نه تنها خالی از فایده نیست بلکه حتماً مثمرالثمر خواهد بود. مثلاً در مورد پرونده تحریم بانک ملت در جریان قرار گرفتید که در یک دوره ای وقتی آمریکا کشور ما را تحت شدیدترین تحریم های اقتصادی قرار داد برخی از کشورها مثل انگلستان دقیقاً مثل آمریکا ما را در مورد تحریم قرار دادند، در سال ۲۰۰۹ آمریکا، بانک ملت و سازمان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را تحت تحریم جدی قرار داد و ما برای طرح دعوی بر علیه نظام تحریم ورود پیدا کردیم اما آمریکا اصلاً به ما اجازه ورود به محاکم را نداد و بر عکس ادعایشان که ما دنیای آزاد هستیم و جای حقوق و دعاوی حقوقی در فضای بین المللی باز است و هرکسی می تواند به محاکم ما مراجعه کند اما ما به هر دری زدیم که بتوانیم از محاکم آمریکا صلاحیت بگیریم و ورود پیدا کنیم و تحریم ofec را نقض کنیم به ما اجازه ندادند. اما وقتی انگلستان ما را تحریم کرد و به محاکم انگلستان مراجعه کردیم، ما را پذیرفتند و ما ورود پیدا کردیم و اگرچه مسیر سختی را از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ به مدت ۱۰ سال طی کردیم ولی به هر حال پرونده بانک ملت را در آخرین مرحله قضایی انگلستان به دیوان عالی کشور بردیم، و پس از محکومیت دولت انگلستان بویژه خزانه داری بریتانیا نسبت به نقض غیر قانونی قواعد بین الملل در تحریم بانک ملت، بحث خسارت را هم طراحی کردیم و در نهایت توانستیم خسارت هم بگیریم و از طرف آن ها پرداخت هم شد. این یک نمونه از دعوی بین المللی است که در کنار سایر دعاوی دیگری که در فضای بین المللی پی گیری می کردم چه

خارج کردن مدیران ارشد از تحریم توسط تحریم اتحادیه اروپا و دیگری کشورهایی که تحریم کرده بودند، (به جز آمریکا که اجازه ورود به ما را نمی داد) توانسته بودیم موفقیت هایی را به دست بیاوریم و این موفقیت ها می تواند دستمایه هایی برای پی گیری در سایر پرونده های حقوقی در دنیا باشد. به هر صورت عرض من این است که ما از این ابزار حقوقی در فضای بین الملل کم استفاده کرده ایم ولی در مواردی که استفاده کرده ایم نتیجه گرفته ایم، از نهضت ملی شدن نفت در دوره دکتر مصدق، یا همین پرونده بانک ملت، پرونده بانک تجارت در اتحادیه اروپا و پرونده های دیگر، و این نشان دهنده این است که می شود از این ظرفیت استفاده کرد.

با توجه به این که ما از قبل از انقلاب و تا امروز ما شاهد دشمنی های گسترده آمریکا در ایران و کشورهای دوست آمریکا (غرب) در ایران بودیم و متاسفانه و در مقابل هیچ کدام از آن اقدامات متخاصم آمریکا اقدام حقوقی نکرده ایم یعنی هم اجازه دادیم که آنها به ما ضربه بزنند و هم ضربه هایشان را قانونی کنند یعنی در حوزه بین الملل و قواعد بین الملل تخلف می کنند و هم روی این تخلفات شان یک چهره حقوقی بشری می گذارند و چهره حقوقی به آن می دهند و بر علیه ما پرونده قضایی درست می کنند یعنی در یک بازی حقوقی دو سر برد با ما کار می کنند و این خیلی دردناک است که هم اجازه بدهیم دشمنی کند و ضربه بزند و منافع کشور و مردم را زیر سؤال ببرد و هم اجازه بدهیم که این ضربه زدن را مشروع جلوه بدهد و آن را به قانون تبدیل کند و این همان بحث استانداردهای

دوگانه است (دبل استاندارد) که یکی از رویکرد های حقوقی آمریکا در دنیا است . دبل استاندارد یعنی من در یک جا از قوانین و مقررات تا آن جایی که به نفع خودم است تفسیر، اجراء و تصویب می کنم و در جای دیگری ممکن است تفسیر دیگری ارئه بدهم و از باب نسبی بودن نظام معرفت علوم انسانی سعی می کند این موضوع را به صورت نسبی جهت تأمین منافع سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی خودش تحلیل و تفسیر کند و ما به دفعات از آمریکا و غرب در رفتار هایشان با کشورهای دیگر بویژه با کشورهایی که در زمره دوستان شان نبوده اند از این دبل استاندارد استفاده کرده اند و ما الان می خواهیم این استانداردهای دوگانه را بررسی کنیم و بگوئیم از حالا به بعد باید چه کاری انجام دهیم؟ باید به طرح دعاوی مبادرت کنیم. من اسم این مسئله را گذاشته ام، «نهضت دعاوی بین المللی ایران» یا «نهضت حقوق بین المللی ایران»، این جنبش باید راه بیفتد و ما ظرفیت ، نیروی انسانی و زیر ساخت های نظام حقوقی اش را هم داریم، به هر حال ما وارث یک فرهنگ حقوقی بسیار کهن در کشور هستیم و نرم افزار و سخت افزارهای هم در اختیار ما می باشد مشکل این بوده که فقط اراده ملی یا اراده حاکمیتی در فضای بین الملل برای ارتقاء یا استفاده از این فرصت نبوده است که امیدوارم از این به بعد این طوری رفتار نکنیم و اگر یک سیلی زدند ما هم بتوانیم سیلی متقابل را بزنییم، اگر جنگ حقوقی کردند ما هم به تناسب، جنگ حقوقی بکنیم نه آن که جنگ حقوقی شان را با موشک جواب بدهیم، در

واقع موشک جواب موشک و در جنگ حقوقی هم با پاسخ متقابل یعنی جنگ حقوقی از همه ظرفیت ها استفاده کنیم،

دنیای غرب حقوق را بزک کرده و سعی می کند خودش را در دنیایی از مشروعیت قانونی جلوه گر کند، مثلاً خوب حرف می زند ، خوب سند حقوقی درست می کند، کنوانسیون های بین المللی تأسیس می کند، از مباحث حقوق بشری و مباحث بین المللی صحبت می کند ، همیشه در استفاده از این ابزارها دست برتر را دارد و ما در دنیای خودمان (کشورهای جهان سوم) عمدتاً منفعلانه برخورد کرده ایم. چون صدایمان نمی رسد مجبور هستیم فریاد بزنیم یا فحش بدهیم که خود این رفتار، دوباره برای ما هزینه و پرونده سازی می شود. دیدید مثلاً افرادی که به دادگاه مراجعه می کنند یک نفر با ابزار حقوقی و وکالت می جنگد و شما که این ابزار را نداری و یا بلد نیستی، توی دادگاه هم شروع به ضرب و شتم می کنی، حق هم با شماست اما چون راه حقوقی را آشنا نیستی پرونده را بر خلاف منافع خودت پیچیده تر می کنی. بنابراین ما باید با همان ابزارها با آن ها کار کنیم. اتفاقاً زمانی که من در همین پرونده های بین المللی ورود کردم هدف و فلسفه کارم این بود که با زبان خودشان با آن ها صحبت بکنم، یعنی براساس قاعده حاکمیت حقوق، با همان ادبیات خودشان ، با پیشینه بحث حقوق خودشان و با مکانیزه ها و ابزار های حقوقی خودشان با آن ها حرف بزنم. آیا می شود با ابزار خودشان با خودشان جنگید؟ بله. می شود و به مراتب می توان از آن استفاده کرد ولی متأسفانه ما چون با فرهنگ حقوق غرب آشنا نیستیم و خودمان

را مسلط به ابزار حقوقی دنیای غرب نکرده ایم طبیعتاً در مقابل مباحث حقوقی آن‌ها کم می‌آوریم و همیشه خودمان را پاسخگو قرار می‌دهیم در حالی که به نظر من دیگر بس است و ما به اندازه کافی پاسخ داده ایم و از این به بعد باید جنبه هجومی داشته باشیم یعنی همیشه آنها طرح دعوی می‌کنند و مثلاً پرونده هسته ای درست کردند یا پرونده حقوق بشری درست کردند و ما باید به گزارشات آن‌ها جواب می‌دادیم و همیشه هم بدهکار بودیم ولی حالا از این به بعد ما باید برای آن‌ها پرونده حقوق بشری درست کنیم، پرونده دعاوی درست کنیم و این جلسه ای که شما امروز برگزار کرده اید برای این است که می‌خواهید حقوق بشر آمریکا را نقد کنید و نه آن‌که از حقوق بشر خودمان دفاع کنیم زیرا ما به اندازه کافی در چهل و چند سال گذشته از حقوق بشر خودمان دفاع کرده ایم و امروز باید آن‌ها از مبانی حقوق شان دفاع کنند و ما باید بصورت هجومی، با حالت طرح دعوا کار را جلو ببریم و به همین جهت عنوان بحث من «طرح دعاوی متقابل» است چون آن‌ها به اندازه کافی برای ما در دنیا پرونده سازی کرده اند و ما باید امروز باید برویم پرونده سازی های متقابل انجام بدهیم

الف - مبانی و فلسفه حقوق بشر آمریکا

سؤال این است که حقوق بشر غربی و آمریکایی اساساً چه ماهیت، مبنا و فلسفه ای دارد؟

۱ - اولین نکته آن است که حقوق بشر در آمریکا استانداردهای دوگانه دارد، یعنی همان طور که گفتیم در یک جایی یک معنایی و در جای دیگر معنای

دیگری دارد. در ارتباطات با خودشان و در ارتباطات با جهان سوم، در ارتباط با دنیای اسلام، در ارتباط با دنیای شرق، در ارتباط با کشورهای به قول خودشان محور شرارت برای هر کدام این کشورها یک تفسیری از حقوق بشر انجام می دهند و اعتقاد دارند که دنیای حقوق بشر دنیای تفسیر برداری است. و با این استاندارد های دوگانه می توانند در هر موضوع سیاسی، اقتصادی نظامی و غیره چهره حقوقی گرفته و از حقوقدان شان استفاده کنند، مقاله بنویسند، حرف بزنند، اساتید دانشگاهی شان ورود پیدا بکنند، قضات شان رأی بدهند و خلاصه آن که عملاً یک نظام یکپارچه را در نظام حقوق برای خودشان تعریف و طراحی کرده اند و سال ها است که این کار را می کنند. پس یکی از مشخصات ذاتی تعریف حقوق بشری و اعمال حقوق بشر در نظام حقوقی آمریکا این است که حالت استاندارد دوگانه دارد.

۲- نکته بعدی در حقوق بشر آمریکا آن است که از آن به عنوان ابزار دیپلماسی استفاده می کنند. یعنی از عنوان حقوق بشر برای پیشبرد اهداف دیپلماتیک در مواجهه های بین المللی استفاده می کند. لذا می گویند حقوق بشر در آمریکا جنبه دیپلماتیک دارد، یعنی آن که می تواند رنگ غیر حقوقی هم داشته باشد و بستگی به این دارد که چه زمانی و کجا می خواهد از این ابزار استفاده کند.

۳- ماهیت حقوق بشری غربی یا آمریکایی، معرفت شناسی تک بعدی مادی انسان است (از جهت فلسفه انسانی) یعنی انسان را در قالب یک بعدی نگاه می کند، ضرورت های مادی اش را نگاه می کند و حقوق بشر را در آن قالب تعریف

می کند و لذا اگر منافع مادی فرد آمریکایی تأمین شود حقوق بشر برایش مصداق پیدا می کند و آن بعد دیگر انسان که معنوی است و دنیای فرهنگ ها و مذاهب و معنویت ها است در تعریف حقوق بشر آمریکایی جایگاهی ندارد. پس معرفت شناسی تک بعدی مادی از ویژگی ها و خصوصیات حقوق بشر آمریکایی است.

۴- حقوق بشر آمریکایی سعی می کند ملاک را روی فرد گرایی ببرد و نگرش فلسفی متمرکز کند. فرد گرایی معنایش این است که از نظر من حقوق بشر آن است که لذت های فردی را تأمین بکند و به همین جهت یک گروه حقوق بشر کاذب جدیدی را به نام «ان جی پی تی کیوها» در غرب مطرح کردند که این ها در خیابان ها راه افتاده اند مثلاً می گویند فضای همجنس بازی اعم از مرد و زن را به عنوان مظاهر حقوق بشری تلقی کرده و می گویند اینها حق دارند که هر طوری می خواهند زندگی کنند و از آن طرف هر گونه مواجهه با ان جی پی تی ها، یا مقابله با همجنس گرایی را مخالف با حقوق بشر می دانند، پس به هر حال یکی از مبانی تفکر حقوق بشری غربی فرد گرایی است.

۵- بحث بعدی هویت زدایی است یعنی حقوق بشر آن است که ما می گوئیم نه آن هویتی که شما دارید. مسلمان هستی باش، شرقی هستی باش خیلی برای من غربی مهم نیست که چه هویتی داری؟ مهم این است که آن حقوق بشری را که ما تعریف می کنیم شما باید خودت را در قالب این حقوق بشر تعریف کنی. پس

هویت زدایی کردن از نژاد، مذهب، رنگ، قومیت ها، اینها مقتضای ذات حقوق بشر غربی آمریکایی است

۶- بحث بعدی تغلیب فرهنگی است. یعنی معتقد است حقوق بشری که من براساس فرهنگ غربی می گویم فرهنگ غالب است و فرهنگ های دیگر فرهنگ های مبتذل هستند ولو مذهبی یا قومیتی باشند. چرا؟ چون من توانسته ام فرهنگ متعالی انسانی را در دنیای غرب تعریف کنم و لذا فرهنگ من فرهنگ غالب است و این بحث تهاجم فرهنگی هم ناشی از همین دیدگاه است. یعنی معتقد است که فرهنگ من متعالی و برتر است و می توانم در گزاره های فیلم، ویدئو، تبلیغات فرهنگی، دیدگاه های خودم را به شما تحمیل بکنم.

۷- بحث بعدی آن است که حقوق بشر برایشان یک جنگ روانی هم می باشد و انقلاب های مخملی را از هم از طریق همین حقوق بشری توانسته اند ایجاد و مدیریت کنند و کودتا کنند و نسلی را بر حاکمیت فائق دهند، به هر حال انقلاب های مخملی را بیشتر بر پایه حقوق بشر ایجاد کرده اند.

۸- نکته بعدی، حقوق بشر در نظام غربی آمریکایی، حالت انحصار گرایی و یک جانبه گرایی و جانبدارانه بودن است. یعنی هم آن چیزی که می گویم درست است و هم آن تحلیل یکجانبه ای که می کنم باید اعمال بشود و شیوه زندگی شما براساس شیوه زندگی ما باشد. یعنی همه باید به مذاق مک دونالد زندگی کنند، همه باید پپسی و کوکا کولا را بنوشند، و این فرهنگی است که ما می

گوئیم شما باید براساس آن زندگی کنید یعنی یک حالت انحصار، یکجانبه گرایی و جانبدارانه.

۹- نکته بعدی آن که حقوق بشر را براساس قواعد و مقررات خودش تنظیم می کند. ما در ایران وقتی از حقوق بشر صحبت می کنیم در خیلی از موارد از اسلام و فقه اهل بیت و روایت هایی که از اهل بیت داریم مقررات و آئین نامه ها را در قالب حقوق بشر تنظیم می کنیم ولی آمریکایی ها و غربی ها آن چه را که به ذهن شان از حقوق بشر خوب می آید بلافاصله تبدیل به قانون می کنند تا از حالت اخلاقی به هنجار قانونی و الزام آور تبدیل شود و دیگران قدرت تخطی از آن را نداشته باشند پس الزامات قانونی را به عنوان ابزاری برای تعالی حقوق بشر می بینند. تا زمانی که در داخل سرزمین خودشان باشی ایرادی ندارد اما چون خودشان را نسل برتر می دانند الزامات قانونی حاکم بر موضوعات بشری را فرا سرزمینی اعمال می کنند. ما یک واژه ای داریم به نام «صلاحیت فرا سرزمینی» که بموجب آن من در آمریکا حق دارم قانونی وضع کنم که این قانون را در ایران اعمال کنم یا در انگلستان اعمال کنم. حق دارم که بگویم فلان کشور هم حق ندارد با ایران همکاری کند این الزام بخشی فرا سرزمینی همان نگاه سلطه جویی حقوقی است یعنی شما فکر نکنید که آمریکا سلطه جویی را فقط در بعد نظامی گری اش می داند بلکه همچنان که در تسلیحات سلطه جو است و یک امپراطوری بزرگ نظامی را شکل می دهد، یا در رسانه ها امپراطوری رسانه ایجاد می کند یا در نظام بانکی امپراطوری بانکداری ایجاد می کند، در نظام قانونی هم،

قائل به امپراطوری قانونی تحت عنوان اعمال فراسرزیمینی بموجب حقوق داخلی است یعنی قانونگذار آمریکا در کنگره به خودش این حق را می دهد که قانونی را که در کنگره وضع می کند برای همه جمعیت بشر این قانون را اعمال بکند چرا؟ چون می گوید تشخیص من ملاک است. بعد از فرو پاشی شوروی هم همین را مطرح کرد یعنی یک جهان و یک نظم و آن نظم هم نظمی است که من مدیریت می کنم. و نظم قانونی شکل گرفته از آمریکا و دنیای غرب پس از جنگ جهانی دوم به صورت سیستماتیک در حال اعمال می باشد و هر زمانی هم که دانش و فناوری بشر رشد پیدا کرده اینها از طریق قانون الزاماتش را تنظیم و به آن مسلط شده اند تصور کنید الان که در قرن ۲۱ هستیم و بحث بلاکچر، هوش مصنوعی و رمز ارزها مطرح است چه کسی قانون اینها را تنظیم می کند؟ همان نظامی که می گوید من باید قانون و مقررات نحوه استفاده از رمز ارزها را به شما بگویم، هوش مصنوعی آن است که من برای شما طراحی می کنم یا در تجارت الکترونیک یا بانکداری الکترونیکی براساس قواعد و مقرراتی که من تنظیم می کنم شما را تحت تأثیر و تحت پوشش حقوقی قرار می دهم، یعنی در حوزه حقوق بشری الزامات فرا قانونی سرزمینی را تحمیل می کند.

۱۰- ترجیحات و منافع سیاسی اقتصادی یکجانبه خود را در حوزه قانونگذاری و حقوق بشر مرجح بر دیگران می دانند یعنی اول منافع سیاسی و اقتصادی اش را می بیند و بعد می گوید دنیا مثل من باید فکر کند چون در ذهنش این می گذرد که در حال مدیریت دنیا هستم و به همین دلیل ما نباید انتظار داشته باشیم که

در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی ترجیحات ما را مطرح کند. یکی از مشکلات ما هم همین است که یک بار مقام معظم رهبری فرمودند که ما در کنوانسیون ها و اسناد بین المللی نیستیم . این کنوانسیون ها و اسناد جنبه معاهدات چند جانبه پیدا می کنند و ما راه فراری نداریم و باید اینها را بپذیریم و اگر هم مخالفت بکنیم به عنوان مخالف حقوق بین الملل شناخته می شویم. بنابراین آمریکا و غرب می آیند ترجیحات و منافع سیاسی و اقتصادی خود را در کنوانسیون ها و معاهدات و شکل گیری سازمان های بین المللی می بینند و سعی می کنند از طریق نرم افزار حقوق سلطه حقوقی خود را بر افکار دنیا تحمیل بکنند که حقوق بشر هم یکی از این موضوعات است.

۱۱- حاکمیت تفکر لیبرالیستی مورد بعدی است به هر حال دنیا غرب دنیای لیبرال است، در مفهوم اقتصادی لیبرال است در مفهوم اجتماعی لیبرال است در خیلی از مفاهیم دیگر هم لیبرال است و در دنیای لیبرالیستی بحث انسان گرایی فردی ملاک است و طبیعتاً وقتی شما یک نظامی را بر اساس مذهب و دین اسلام و مکتب اهل بیت پایه گذاری می کنید بر اساس این تحمیل باید تفکر لیبرالیستی را در قوانین و مقررات بشری اش ایجاد کنید و چون این هضم را نمی کنیم و این تحمیل را قبول نداریم با این تفکر دچار تعارضات ساختاری می شویم ولی متأسفانه در برخی از کشور های همسایه ما این مسئله را پذیرفته اند یعنی وقتی به محاکم شان نگاه بکنید، دو تا محکمه دارند، یک سری محاکم شرعیت محور دارند و یکسری محاکم هماهنگ با قواعد و قوانین غرب دارند و هر کدام را

به اقتضای عمل می‌کنند. یعنی آمریکا و غرب توانسته‌اند این تجزیه را در نظام حقوقی کشورهای همسایه اعمال نکنند.

۱۲- حقوق بشر دستاویزی برای تحریم و تروریسم دولتی است. یعنی آن جایی را که تحریم می‌کند و اقدام تروریستی هم می‌کند باز از حقوق بشر استفاده می‌کند. یادتان می‌آید وقتی جورج بشر به عراق حمله کرد گفت اقدام من یک اقدام بشر دوستانه است. اصلاً من دوستدار مردم عراق هستم و می‌خواهم مردم عراق را از حاکمیت رژیم بعث نجات بدهم و آزادی را برای مردم عراق به ارمغان بیاورم. پس بنابراین اگر تحریم می‌کند یا اگر جنگ نظامی در افغانستان یا عراق به راه می‌اندازد براساس پوشش حقوق بشر و دموکراسی و گسستن مردم از یوغ و بند دیکتاتورهای منطقه‌ای ورود پیدا می‌کند و به رفتار خود جهت حقوق بشری می‌دهد. در حقوق بشری غربی و آمریکایی هم عرض کردم که به هویت‌های ملی، نژادی، قومی، مذهبی و دینی هیچ اهمیتی داده نمی‌شود. چون معتقد هستند که اینها در مقابل حقوق بشر غربی ساختار شکنی می‌کنند، و لذا باید این‌ها از بین بروند و هویت‌زدایی بشوند و در نتیجه اختلالات هویتی و اجتماعی ایجاد می‌کند مثلاً فروپاشی خانواده‌ها در دنیای خودمان که مشاهده می‌کنیم مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر یک نظام فرهنگی بین‌المللی است تحت این عنوان که انسان‌ها آزاد هستند و دوست دارند با هر کسی که می‌خواهند زندگی می‌کنند و با هر کسی ارتباط برقرار کنند و این ارتباطات نباید کنترل بشود و خوب چنین نگاهی طبیعتاً خانواده را در سراسی بی سقوط قرار می‌دهد البته

خودشان هم امروز در حقوق بشر و آزاد گرایي خانواده ها در يك سراسيبي فروپاشي به ازدواج سفيد و همجنس گرايي رسيده اند .

آن چه گفتيم پيرامون هويت شناسي و فلسفه و مباني حقوق بشر در آمريكا بود و حالا در بخش دوم بحث مي خواهيم بگوئيم آمريكا در مواجهه با ايران و عليه مردم و ملت ايران قبل و بعد از انقلاب اقداماتي را انجام داده كه عمدتاً اقدامات متخاصمانه جويانه بوده است كه اکنون در بخش دوم بحث به اين اقدامات آمريكا عليه ملت ايران اشاره مي كنم.

ب - اقدامات متخاصمانه آمريكا عليه ملت ايران

۱- نقض حق حيات : يعني حق زندگي در داخل و خارج از آمريكا با نقض جدي مواجهه بوده است مثلاً در داخل آمريكا رنگين پوستان به دفعات حق زندگي شان نقض شده است چون موافق سياست هاي داخلي و خارجي آمريكا نبودند يا مثلاً در حمله آمريكا به عراق ، ۵۰۰ هزار كودك با اورانيوم ضعيف شده كشته شدند. آن هم با سلاح هاي كشتار جمعي كه امروز مي تواند مصداق نسل كشي باشد كه به لحاظ وراثتي اين اورانيوم مي تواند نسل هاي آينده عراق را هم دچار خسارت كند. در افغانستان، يمن و خيلي از كشورهاي ديگر هم آمريكا اين نقض حيات را مرتكب شده است و اين نسل كشي را عملاً از هيروشيما و ناكازاكي در ژاپن شروع كردند .

۲- نقض حیات سلامت و بهداشت : آمریکایی ها بطور مکرر در سیاستگزاری هایشان در ورود به کشورها محرومیت زایی ها را ایجاد کرده اند که سلامت و بهداشت این جوامع را به خطر انداخته است و در کشور خودمان ناشی از تحریم و نرسیدن داروهای خاص به بیماران نقض سلامت و بهداشت را مشاهده کردیم.

۳- نقض حق توسعه : هر کشوری حق دارد توسعه پیدا کند و با هر کشوری ارتباط برقرار کند و این که شما یا با ما هستید و یا دشمن ما هستید نمی تواند مقتضای حقوق بشر عادلانه باشد، پس این نقض هم از مواردی است که آمریکا باید پاسخگوی آن باشد.

۴- نقض حق تعیین سرنوشت: چرا مردم فلسطین نباید بتوانند سرنوشت کشور خودشان را تعیین کنند و بر حاکمیت سرزمین خود مسلط باشند. چرا باید رژیم اشغالگری مثل اسرائیل آنجا باشد و حیات سیاسی و سرنوشت مردم فلسطین را تحت تأثیر خود قرار بدهد؟.

۵- نقض حق برخورداری از زندگی استانداردهای مناسب : آمریکا با هر کشوری که مشکل پیدا کرده است برای آن کشور دسترسی به حق زندگی استانداردهای مناسب را محدود کرده است، فناوری را نداده است، اجازه ارسال تجهیزات را نداده است صرفاً برای که با سیاستهای آمریکا هماهنگ نبوده است او را از حق دسترسی به استانداردهای مناسب برای زندگی محدود کرده است.

۶- نقض آموزش : ما در همین دوره تحریم مشاهده کردیم که دانشجویان برای ادامه تحصیل یا گرفتن دکترا یا فرصت مطالعاتی می خواستند به برخی کشورها

بروند ولی به آن‌ها گفتند کشور شما در تحریم است و نمی‌توانید از این فرصت‌ها برخوردار شوید یا اگر ایرانی‌ها بخواهند برخی از رشته‌ها را برای تحصیل انتخاب یا ادامه بدهند برایشان ممنوع شده است به هر حال ایجاد محدودیت برای انتخاب دانشگاه یا رشته تحصیلی از مصادیق نقض حق آموزش بوده است که آمریکا علیه ملت ما اعمال کرده است.

۷- نقض حق دسترسی به دانش و فناوری: آحاد بشر حق دارند به هر سطحی از دانش و فناوری دسترسی پیدا کنند ولی آمریکا و با فشار به اتحادیه اروپا باعث شده است که انتقال فن آوری بالای ۱۰ میلیون دلار به ایران ممنوع باشد. البته اگرچه می‌گویند بالای ۱۰ میلیون دلار ولی عملاً اجازه انتقال هیچگونه فناوری را به ایران نمی‌دادند. یعنی حق استفاده، انتقال و توسعه در دانش و فناوری را نداده‌اند.

۸- نقض حق رنگین‌پوستان

۹- نقض میثاق بین‌المللی و حقوق سیاسی: ما یک میثاقی به نام میثاق بین‌المللی و حقوق سیاسی داریم که این میثاق در کناراسناد بین‌المللی و در کنار اعلامیه جهانی حقوق بشر از میثاق‌های ارزشمند است، متأسفانه آمریکا به کرات این میثاق را نقض کرده است و اجازه نداده که در سایه سار این میثاق‌های بین‌المللی، ایران و کشورهایی که در خصم با آمریکا بوده‌اند از این حق بهره‌مند شوند.

ج- دشمنی های ناتمام آمریکا بر علیه ملت ایران

در این بخش من فقط فهرست وار اشاره می کنم و در واقع هر کدام از این موارد باید مستند سازی بشود. معتقدم به این دشمنی های ناتمام آمریکا باید پاسخ های حقوقی با طرح دعاوی مناسب پاسخ داده شود.

۱- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

۲- حمایت و تحکیم پایه های حکومت استبداد شاه.

۳- تشکیل ساواک در ایران.

۴- تحمیل قانون استعماری کاپیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران.

۵- حمله نظامی به طبس.

۶- کودتای نوژه

۷- تحریک عراق و تحمیل جنگ به ملت ایران و رویارویی و دخالت مستقیم در

این جنگ بر علیه ایران.

۸- فشار های اقتصادی و اقدامات تحریمی بر علیه ملت ایران.

۹- سازماندهی و حمایت از مخالفان نظام بویژه سازمان منافقین.

۱۰- فضا سازی تبلیغاتی و فرهنگی و جنگ روانی علیه ملت ایران.

۱۱- اختصاص بودجه کلان بر علیه منافع ملت ایران.

۱۲- مقابله با دستیابی ایران به فناوری صلح آمیز هسته ای ایران.

۱۳- تهاجم فرهنگی و جنگ نرم و رسانه ای.

- ۱۴- توقیف اموال و دارایی های ایران که از اول انقلاب تا الان ادامه دارد و هنوز بسیاری از اموال ما آزاد نشده است.
- ۱۵- مخالفت و ممانعت از عبور خط لوله نفت و گاز آسیایی میانه از ایران. در واقع باکو و جیحان قرار بود از ایران عبور کند اما از طریق ترکیه اقدام شد در حالی که خط ترانزیت ایران بود.
- ۱۶- اعمال فشار بر ترکیه جهت لغو قرارداد ۲۰ ساله گازی با ایران.
- ۱۷- جلوگیری از انعقاد خط لوله صلح ایران- پاکستان- هندوستان.
- ۱۸- تحریک همسایگان بویژه امارات جهت ادعاهای اراضی علیه ایران.
- ۱۹- بازسازی طرح فروپاشی شوروی بر علیه ایران.
- ۲۰- مسلط کردن طالبان بر افغانستان.
- ۲۱- تحریک آشوبگران و حمایت علنی از آنها در فتنه های مختلف که در کشور اتفاق افتاد از فتنه ۸۸ تا ۱۴۰۱
- ۲۲- وضع مقررات و قوانین ضد ایرانی در کنگره و مجلس سنا مثل قانون P.S.I.A که موجب آن از ایران مصونیت زدایی شده است و این خیلی حرف سنگینی است چون مصونیت برای یک کشور خیلی ارزشمند است. یا مثلاً قانون داماتو که هر نوع سرمایه گذاری در ایران بالاتر از ۴۰ میلیون را ممنوع کرده بودند و به هر حال حداقل ۱۰ قانون ضد ایرانی در کنگره یا مجلس سنا علیه ملت ایران وضع کردند که با هدف مصونیت زدایی از ملت ایران بوده است.

۲۳- نا امن کردن ایران و منطقه با تشکیل گروه های تروریستی تکفیری و سلفی و داعشی.

۲۴- به شهادت رساندن بسیاری از خدمتگزاران خالص کشور مثل دانشمندان هسته ای شهید فخری زاده و یا شهید حاج قاسم سلیمانی که با حمایت های مالی و سیاسی آمریکا انجام شده است.

۲۵- طرح دعاوی ساختگی در محاکم آمریکا بر علیه ایران.

۲۶- ساقط کردن هواپیمای مسافر بری ایران در آب های بندرعباس .

۲۷- حمله به سکوهای نفتی ایران که هم شهید و هم خسارت مالی داشتیم و هم تولید نفت ما قطع شد و اگرچه آمریکا مقصر شناخته شد ولی یک دلار هم خسارت پرداخت نکرد.

۲۸- جنگ رسانه ای از طریق شبکه های ماهواره ای مانند راه اندازی اینترنت نشنال که آموزش های تروریستی ها در اغتشاشات می دادند.

د- چه باید کرد؟

در چه باید کرد ضرورت شکل گیری نهضت دعاوی ایران علیه آمریکا به شدت موضوعیت دارد که مواردی را در این رابطه می توان اشاره کرد.

۱- استفاده از امکانات توانمندی های علمی و عملی کشور در روابط بین الملل براساس اصول عزت حکمت مصلحت برای جنگ حقوقی.

۲- افزایش تعامل حقوقی ایران با جامعه بین الملل براساس فرهنگ حقوقی شکل یافته و منسجم.

۳- ارائه خدمات حقوقی و قراردادهای بین المللی با کیفیت فنی و تخصصی و حرفه ای شایسته نظام اسلامی ایران .

۴- حضور نرم افزاری قوی و مقاومتی در بازار حقوقی و دعاوی بین المللی.

۵- توسعه بسترهای توسعه پذیری و تحول برون گرای بین المللی در موضوعات حقوق بین الملل.

۶- بهره وری از معاضدت، مشاورت های حقوقی و گسترش تعاملات بین المللی در سطح سازمان های مردم نهاد و NGO ها و جلوگیری از نفوذ غیر رسمی کشورها و اشخاص ثالث در جهت حل مشکل ایرانیان در مراجع قضایی خارج از کشور.

برای این کارها: ۱- باید مستند سازی کتابخانه ای و آکادمیک و حتی خلق دکترین حقوقی انجام بشود.

۲- باید مکاتبات بین المللی با سازمان های بین المللی بویژه سازمان ملل و شورای حقوق بشری گسترش پیدا بکند.

۳- با موسسات حقوقی بخش خصوصی و داخلی بین المللی برای مستندسازی طرح دعاوی متقابل ارتباط برقرار کنیم .

۴- استفاده بهینه از گزارشات رسمی سازمان های بین المللی و NGO ها برای جنگ حقوقی.

۵- تلاش برای اثبات رابطه علت و معلول برای طرح دعاوی بین الملل.

۶- جمع آوری داده ها، اطلاعات و پردازش آن به صورت محکمه پسند . ما متاسفانه در مستند سازی ضعیف هستیم.

۷- وضع قوانین و مقررات متقابل یعنی همانطور که آمریکا در مجالس خودشان علیه ما قانون وضع کرده اند ما هم متقابلاً در مجلس خودمان قوانین متقابل وضع کنیم .

۸- طراحی و تدوین نقشه راه و استراتژی ها و تاکتیک های جنگ حقوقی.

۹- استفاده از وکلا، اساتید حقوقی و مشاوران حقوقی در داخل و خارج از ایران.

۱۰- استفاده از ظرفیت ثمن ها، چه داخلی و چه بین المللی.

۱۱- تهیه گزارشات میدانی، پرسشنامه ها و مصاحبه های تخصصی جهت پرونده سازی بر علیه دولت آمریکا.

۱۲- تهیه شهادت نامه ها، اقرار نامه ها و نظرات کارشناسی.

۱۳- عکسبرداری، توپوگرافی، فیلم و استفاده های رسانه ای در رسیدگی های قضایی.

۱۴- مراجعه به محاکم قضایی داخلی جهت شکل گیری پرونده ها . ما یک قانونی دارد که ایرانی ها می توانند در داخل کشور بر علیه آمریکا اقامه دعوا کنند حالا چقدر مردم ما از فشارهای اقتصادی و غیر اقتصادی آمریکا متضرر شده اند و چقدر بر علیه آمریکا اقامه دعوا کرده اند؟ و حال آن که مردم آمریکا علیه ما در محاکم داخلی شان اقامه دعوا کردند و علیه ما حکم گرفته اند.

۱۵- استفاده از ظرفیت جبهه مقاومت در کشورهای همسایه در جهت مستند سازی حقوقی و طرح دعاوی که در این موضوع سوری ها و عراقی ها خیلی می توانند به ما کمک کنند.

۱۶- بررسی امکان اقدام همزمان حقوقی و غیر حقوقی از اجرایی اداری سیاسی دیپلماتیک و استفاده از نهاد ها، موسسات و سازمان های اسلامی و منطقه ای بین المللی برای طرح دعاوی بین المللی .

امیدوارم بتوانیم این نهضت حقوقی را در فضای بین المللی نهادینه کنیم، در حقوق بین المللی جنبه هجومی بگیریم و حق ملت مان را بگیریم، حرفه ای عمل کنیم از کارشناسان مجرب و وکلا استفاده لازم را داشته باشیم و حرف مان را که حرف حق است به دنیا برسانیم و با این حرکت ما سایر ملت ها هم بلند شوند و بتوانند احقاق حق بکنند و با این جامعه نا برابر حقوقی که در دنیا مشاهده می کنیم با استناد به مظاهر حقوق بشری ، ظلم و ستم روا می دارند مقابله کنیم و زمینه ساز ظهور آقا امام زمان برای اقامه حق و عدل در دنیا باشیم. انشاءالله.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته